

یادداشت

سعیدالهی، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون

### بدرقه‌ای که آغاز یک پیمان دوباره است

تشییع باشکوه رهبر شهید انقلاب اسلامی، صحنه‌ای ماندگار از وفاداری، بصیرت و استقامت ملت ایران را به نمایش می‌گذارد. حضور گسترده و پرشور مردم در مصلا‌ی تهران و خیابان‌های اطراف، تنها یک مراسم بدرقه نبود؛ بلکه تجلی پیوند عمیق میان یک ملت و آرمان‌هایی بود که سال‌ها با هدایت و رهبری ایشان در جان و دل مردم ریشه دوانده است. مردم ایران در طول تاریخ نشان داده‌اند در بزنگاه‌های حساس، با وحدت و همدلی در صحنه حاضر می‌شوند. حضور پرشمار اقشار مختلف جامعه در این مقطع نیز بار دیگر ثابت کرد مسیر مقاومت و ایستادگی، راهی است که نه تنها با گذشت زمان کم‌رنگ نمی‌شود، بلکه با ایمان و آگاهی مردم استحکام بیشتری پیدا می‌کند. این حضور باشکوه، پیامی روشن برای دوستان و دشمنان داشت؛ اینکه ملت ایران همچنان بر عهد خود با ارزش‌های انقلاب، استقلال، عزت و مقاومت پایبند است. قائد عظیم الشان شهید، برای بسیاری از نسل‌ها، تنها یک رهبر سیاسی نبودند؛ بلکه الگویی از ایمان، شجاعت، ساده‌زیستی، حکمت و مسئولیت‌پذیری به شمار می‌رفتند. ایشان در دشوارترین شرایط، با آرامش و تدبیر کشور را هدایت کردند و همواره مردم را به امید، تلاش، پیشرفت و حفظ عزت ملی فراخواندند. برای من نیز شخصیت ایشان همواره الهام‌بخش بوده است. درس ایستادگی در برابر مشکلات، اعتماد به ظرفیت‌های داخلی، توجه به معنویت و نگاه مسئولانه به آینده، از مهم‌ترین آموزه‌هایی است که ما از سیره و رهنمودهای ایشان آموخته‌ایم.

امروز وظیفه ما تنها یادآوری خاطرات ایشان نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن، ادامه‌دادن مسیری است که با اخلاص و مجاهدت ترسیم کردند. هر فرد در جایگاه خود می‌تواند با تلاش، مسئولیت‌پذیری، خدمت به مردم، حفظ وحدت و پایبندی به ارزش‌های انقلاب، سهمی در ادامه این راه داشته باشد. زنده نگه داشتن آرمان‌های یک رهبر بزرگ، تنها با سخن گفتن ممکن نیست؛ بلکه نیازمند عمل، تعهد و حضور مؤثر در عرصه‌های مختلف جامعه است. از این رو، تشییع و بدرقه رهبر شهید انقلاب را نباید به عنوان یک وداع تلقی کرد. این مراسم در حقیقت سرآغازی دوباره برای تجدید پیمان با آرمان‌هایی است که ایشان عمر خود را صرف پاسداری از آن‌ها کردند. مردمی که با اشک و اندوه در این مراسم حضور یافته‌اند، در واقع بار دیگر عهد بستند که مسیر عزت، استقلال، پیشرفت و مقاومت را ادامه دهند. این بدرقه باشکوه، پایان یک راه نیست؛ بلکه آغاز فصل تازه‌ای از مسئولیت، آگاهی و وفاداری به ارزش‌هایی است که آینده کشور را می‌سازد.

بی‌شک نام و یاد رهبر بزرگ در حافظه ملت‌ها می‌ماند، اما آنچه ماندگاری آنان را تضمین می‌کند، استمرار راه و آرمان‌هایشان است. امروز نیت ملت ایران با همان روحیه استقامت و امید، مسیر خود را ادامه و نشان خواهد داد که پرچم آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی همواره برافراشته خواهد ماند.

### نگاه

## داستان آن «آدم حسابی» که برای ایران کم نگذاشت

**فرهنگ و هنر |** هدایت‌الله بهبودی، پژوهشگر و نویسنده کتاب «شرح اسم» در یادداشتی به مناسبت تشییع رهبر شهید انقلاب، به برخی از سجایای اخلاقی ایشان اشاره کرد. او نوشت: «همه از رفتن رهبر ایران و کشته شدن او به دست بدترین صحابه ابلیس می‌گویند. من می‌خواهم از ماندن یاد و نام یک آدم حسابی بنویسم؛ آدمی که خوب بود و قدر خوبی را می‌دانست. بامعرفت بود و آدم‌های بامعرفت را دوست داشت. باور کرده‌ام که در رفاقت کم نمی‌گذاشت. سر حرفی که می‌زد می‌ایستاد. بد کسی را نمی‌خواست. قانع بود. ریخت و پاش نداشت. در دش را فرومی‌خورد.

یک دست‌ساز نامردها گرفتند. دست دیگرش را خدا گرفت و بلندش کرد. شد رئیس این مملکت. هوایش افتاد به دل‌ها. هوادار زیادی پیدا کرد. جواسش، شاید بیشتر جواسش به استقلال ایران بود. امانت آقای خمینی را ۳۷سال به دوش کشید. زمین نگذاشت. ترس بود. از تشر فرنگی‌ها واهمه نداشت. درشت اجنبی را درشت‌تر جواب می‌داد. غیرت داشت؛ هم دینی، هم ملی.

قدرت قشون را بالا برد. دل کوه‌ها پر شد از موشک. بین سفر تا صبح، هوادار صد بود. در تولید خوبی‌ها به کم قانع نبود. عشق کتاب بود و عاشق مطالعه. نویسنده‌های جنگ و انقلاب را بیشتر دوست داشت. پر از شعر بود و همدم شاعران. سرش درد می‌کرد برای سر زدن به خانواده شهیدان.

به گذشته که نگاه می‌کنم، دشمنان ایران، مغول و ازبک و ترک و افغان و روس بودند. دشمن امروز ما همه دنیای صف کشیده پشت آمریکاست. او نه در برابر یک قوم، که مقابل زنجیره زور ایستاد و کم نیامورد.

این را هم بنویسم که آقای خمینی موسای زمان خود بود و عصایش مردم. وقتی رفت آن مصای معجزه را به دست آقای خامنه‌ای داد. و او توانست جادوی نظم جهانی را یکی پس از دیگری باطل کند. پیش از او هم حاکمانی برای ایران کشته شده‌اند. اما کدام یک از آنان شبیه او بودند؟ خون کدام یک از آن فرمانروایان برگ تاریخ ایران را این گونه ورق زد؟ نامش با ایران گره خورد.

ما پیامبران را ندیده‌ایم و نخواهیم دید، اما درباره آن‌ها خوانده‌ایم. آن‌ها مشق آدم حسابی‌ها بودند. در گمان من آقای خمینی و او شبیه آن‌ها بودند. کارشان کار آن‌ها و دردهان درد آن‌ها بود. حرف آخرم اینکه: مردم! کم بگیریم؛ کم بگیرتان می‌آید. انتقام می‌خواهید؟ چرا از خدا نمی‌خواهید؟ به کم راضی نشوید.»

## فرهنگ و هنر

علی روئین‌تن، کارگردان سینما در گفت‌وگو با قدس از مراسم تشییع می‌گوید

# گسترش اندیشه رهبر شهید بزرگ‌ترین انتقام از دشمن است



**صبا کریمی |** علی روئین‌تن، کارگردان و تهیه‌کننده سینما با اشاره به وداع پرشور مردم با رهبر شهید و مشاهدات خود از مراسم وداع و تشییع در مصلا‌ی تهران می‌گوید: این روزها مردم با همه وجود برای وداع آمده بودند، اما من حیران حال خودم بودم و به این می‌اندیشیدم که زندگی بی‌پایان نیست و همه ما یک روز متولد می‌شویم و یک روز از دنیا می‌رویم. اما این آدم‌هایی که می‌آیند بیعت می‌کنند یا برای وداع می‌آیند، با چه چیزی وداع می‌کنند؟ شاید اساساً وداعی در کار نباشد و باید دوباره رفت و سلام کرد.

**■ شیعه، باور کیفیت است نه کمیت**

وی با بیان اینکه شیعه، باور کیفیت است نه کمیت؛ تصریح می‌کند: برخلاف عده‌ای که می‌گویند ما ایشان را به آسمان می‌سیاریم، من این تعبیر را نمی‌فهمم. من به قرآن رجوع می‌کنم و می‌گویم: «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ». همه ما از خاک آمده‌ایم و به خاک بازمی‌گردیم. اما در این میان یک مسئله مهم وجود دارد؛ آن چیزی که می‌ماند و زیر خاک نمی‌رود، تکثیر باورها و آرمان‌هایی است که یک رهبر، یک بزرگ و یک قائد در طول زیست خود داشته است؛ انسان‌ها از دنیا می‌روند، اما باورها و آرمان‌هایشان می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. به همین دلیل است که می‌گویم او تمام نمی‌شود. نه به این معنا که به آسمان می‌رود، بلکه به این معنا که در تاریخ، در حافظه جمعی و در استمرار اندیشه و باور باقی می‌ماند.

**■ گذر زمان به ما ثابت خواهد کرد چه اتفاقی افتاده است**

روئین‌تن ادامه می‌دهد: عاقبت به‌خیری یعنی انسان همان‌گونه‌که می‌گوید زندگی‌کند و به‌همان چیزی که به آن می‌اندیشد برسد. این اتفاق برای امام‌شهید افتاده و به‌نظرم

**انسان‌ها از دنیا می‌روند، اما باورها و آرمان‌هایشان می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. او تمام نمی‌شود. نه به این معنا که به آسمان می‌رود، بلکه به این معنا که در تاریخ، در حافظه جمعی و در استمرار اندیشه و باور باقی می‌ماند**

اتفاق عجیبی است. به همین دلیل، اگر چنین شخصیتی ساده‌تشییع شود، همان اندازه تأثیر دارد که باشکوه و عظمت تشییع شود. ما می‌گوییم بزرگ‌ما امام حسین(ع) است که به‌شکلی عجیب تشییع شد، یا حضرت زهر(س) که اساساً تشییع آشکاری نداشت. مسئله اصلی این است که ایشان نیز باور خود را با اهل بیت(ع) گره زده بودند و تلاش کردند مانند آنان زندگی کنند، سخن بگویند و عمل کنند. حرف و عمل ایشان نیز به یک نتیجه و انجام رسیده است. گذر زمان به ما ثابت خواهد کرد چه اتفاقی رخ داده و کدام باورها تکثیر می‌شوند.

کارگردان «دل شکسته» در ادامه می‌افزاید: ایشان در همه مباحث هنگامی که سخن می‌گفتند، بر این باور بودند که مردم باید مردم باشند، وحدت داشته باشند و براساس اصول خود زندگی کنند. خود ایشان نیز هرگز از اصولشان تخطی نکردند و این اصول را برای جلب رضایت افکار عمومی، عوام‌پسندانه نکردند. به قول معروف، آنچه پیر در خشت خام می‌بیند، جوان در آینه نمی‌بیند و آنچه جوان در آینه می‌بیند، پیر در خشت خام می‌بیند.

**■ برای این‌گونه رهبری کردن، جرئت زیادی لازم است**
روئین‌تن با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی رهبر

شهید تأکید می‌کند: ایشان خود را مکلف به تکلیف می‌دانستند. هیچ‌گاه در موضع پاسخ‌گویی یا جلب نظر جهان قرار نگرفتند. اما یک بار در طول زندگی خود در یک سخنرانی معروف، گزارشی ارائه و آن را به پیشگاه امام زمان(عج) عرضه کردند و نتیجه این نگاه را نیز گرفتند. برای چنین سخن گفتن و چنین رهبری کردن، جرئت زیادی لازم است. تمام تلاش ایشان اجرای مبانی و اصولی بود که به آن‌ها اعتقاد داشتند و همه توان خود را صرف تحقق این مبانی کردند و این برای من جذاب است که در مواضع مختلف، از اصول خود کوتاه نمی‌آمدند. این کارگردان در بخش دیگری از سخنان خود اظهار می‌کند: ما نمی‌کنیم هستیم و گریه می‌کنیم، اما این حال شخصی ماست و ارتباطی با حال ایشان ندارد. آیا اتفاقی که برای رهبر شهیدمان رخ داده، برای خود ایشان اتفاق ناگواری است؟ خیر؛ این‌ها جوادانگی است. این همان آرزویی بود که بارها از آن سخن گفته بودند؛ از شهادت، جانفشانی و فدا شدن در مسیر باورها.

به‌نظرم اکنون فضای سیاسی آن قدر ملتهب است که نمی‌توان تحلیل دقیق و منصفانه‌ای ارائه داد. باید زمان بگذرد. احساس می‌کنم در گذر زمان، امکان فهم عمیق‌تری از این ماجرا فراهم خواهد شد؛ به شرط آنکه شأن و منزلت انسان‌های بزرگ و حال و هوای عارفان را ژورنالیستی، سطحی و در حد یک خبر تقلیل ندهیم؛ چرا که این

جریان‌ها نیازمند تحلیل هستند، نه صرفاً گزارش.

**■ با اندیشه تکثیر شده رهبر شهید، آینده ایران بیمه است**
وی با بیان اینکه شاید همه مردم ما به یک اندازه با رهبر شهید ارتباط فکری نداشته باشند، تأکید می‌کند: اما اگر از میان کسانی که در کنار ایشان بودند و در درس و بحثشان شرکت می‌کردند، پنج نفر شبیه ایشان تربیت شده باشند و این اندیشه تکثیر شده باشد، ایران خوشبخت است و آینده ایران بیمه خواهد بود. وی با بیان اینکه رسیدن به چنین جایگاهی قدرت و ظرفیت بزرگی می‌خواهد، ادامه می‌دهد: تاریخ انقلاب در نهایت به دو نام می‌رسد: امام خمینی(ره) و آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. این دو برای من آدم‌های معمولی نبودند. درباره امام، زنده‌یاد نصرالله مردانی شعری گفت و حتی از شعر خودش هم فراتر رفت؛ آنجا که گفت: «آئینه زمان است این پیر در جماران». اما فکر نمی‌کنم هنوز شعری درباره شهید آیت‌الله خامنه‌ای سروده شده باشد که بتواند شأن و جایگاه ایشان را به‌درستی بازتاب دهد.

**■ این‌یک داغ حماسی است**

وی با بیان اینکه این داغ، داغ بزرگی است، اما گریه و زاری ندارد، تأکید می‌کند که این یک داغ حماسی است و این‌طور ادامه می‌دهد: روزی که در مصلا‌ی تهران و مراسم وداع حضور داشتم، احساس می‌کردم تا دورترین نقطه نقشه ایران، درختان حماسی سر برآورده‌اند. انگار باید به سمتی رفت که این درختان حماسی پیداست. من امروز چنین تصویری را می‌بینم و این جریان بسیار بزرگ‌تر و پیچیده‌تر از آن است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد. شما در کجا و در کدام نظام سیاسی جهان دیده‌اید که برای برپا ماندن و بقای یک نظام، این همه انسان کشته و شهید شوند و با این حال آن نظام همچنان برپا بماند؟ زمانی که شهید مطهری، شهید بهشتی و حضرت امام از میان ما رفتند، بسیاری تصور کردند گوشه‌ای از انقلاب فرو ریخته است. اما وقتی شما چیزهای خوب را می‌آموزید، آیندگان آن آموخته‌ها را تکثیر می‌کنند. این آموخته‌ها آن قدر جاری می‌شوند که دیگر به فرد محدود نمی‌مانند و از فرد عبور می‌کنند. به‌نظرم کسانی که گریه می‌کنند، شاید بخشی از این گریه برای حال خودشان باشد؛ زیرا هم‌روزگار و هم‌زیست با کسی بوده‌اند اما نتوانسته‌اند بهره‌ای را که باید از او ببرند. همان‌طور که برخی رسانه‌ها و خبرگزاری‌های خارجی تحلیل می‌کنند، نظام فقهی و حکمرانی‌ای که ایشان از آن سخن می‌گفتند، چیزی نیست که با تحلیل‌های دودوتا چهارتایی، گزارشی و تلویزیونی فهمیده شود.

**■ بزرگ‌ترین انتقام از دشمن، نشر اندیشه‌های رهبر شهید است**
روئین‌تن تصریح می‌کند: ارزش خون ایشان چقدر است؟ ما می‌خواهیم انتقام چه چیزی را بگیریم؟ بزرگ‌ترین انتقامی که توانستیم از آل سفیان و معاویه بگیریم چه بود؛ نشر اندیشه و عدالت علی(ع)!

این بار هم روزگار انتقام ما را خواهد گرفت. ما باید به آرمان‌های رهبر شهید بها بدیم و باور ایشان را در زندگی خود و جهان جاری کنیم. شیعه اساساً احتیاجی به انتقام ندارد. ما مردمان بخشایشگری هستیم اما فراموش نمی‌کنیم و بزرگ‌ترین تیری که می‌توانیم رها کنیم، گسترش اندیشه است. و گرنه کشتن نتانیاها یا ترامپ. که به تعبیر من در حد نعلین ایشان هم نیستند. مسئله‌ای را حل نخواهد کرد؛ آنچه ماندگار است، اندیشه‌ای است که باید تکثیر شود و به حیات خود ادامه دهد.

### هنرهای نمایشی

بررسی وضعیت قیمت بلیت تئاترها و تأثیر آن بر جامعه کنونی در گفت‌وگو با حمیدرضا نعیمی

## تئاتر نماد سلامت روح و روان هر کشور است

یک ایست ساده، یک چرخش ساده یا حتی راه رفتن صحیح را بلد نیستند، اما دستمزدهای میلیاری درخواست می‌کنند. این تئاتری نیست که از استاد حمید سمندریان، استاد علی رفیعی، استاد محمود استادمحمد و دیگر بزرگان این سرزمین آموخته‌ام. متأسفانه برخی کارگردان‌ها، فضای پاک و زیبای تئاتر را مسموم کرده‌اند.

**■ تئاتر نباید با کنسرت رقابت کند**

نعیمی درباره قیمت بلیت تئاتر نیز معتقد است افزایش قیمت‌ها راه حل مشکلات اقتصادی این هنر نیست. وی می‌افزاید: قیمت بلیت برخی نمایش‌ها واقعاً سرسام‌آور است و من به‌شدت مخالف افزایش بهای بلیت تئاتر هستم. هیچ دلیلی وجود ندارد که تئاتر با کنسرت یا هر هنر دیگری رقابت کند و قیمت بلیت آن افزایش یابد. بارها از مسئولان تالار وحدت خواسته‌ام اجازه‌بهای سالن را کاهش دهند تا مردم بیشتری بتوانند به تماشای تئاتر بیایند.

باید شرایط اقتصادی مردم ایران را در نظر گرفت و اجازه نداد برجسب‌هایی مانند «تئاتر لاکچری» یا «تئاتر بورژوازی» به این هنر زده شود. پشتیبانی اقتصادی و مالی دولت از تئاتر و هنرمندان، یارانه نیست، بلکه ضرورتی مانند تأمین آب سالم، هوای پاک و خوراک مردم است. حمایت از هنر لطف و مرحمت دولت نیست، بلکه وظیفه او است. تئاتر نماد گفت‌وگو، چندصدایی، سلامت روح و روان جامعه و میزان آزادی بیان و دموکراسی هر کشور است. نعیمی درباره قیمت بلیت تئاتر در مقایسه با سینما نیز می‌گوید: بلیت تئاتر در مقایسه با سینما گران‌تر است، اما این موضوع طبیعی است؛ زیرا تئاتر هنری زنده است که تنها شبی یک بار، آن هم در مدت حدود ۳۰ شب و در سالتی با ظرفیت

